



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: صحیح و اعم

تاریخ: ۲۳ فروردین ۱۳۹۳

موضوع جزئی: امر هفتم: تصویر جامع (مقام دوم: وجوه تصویر جامع - بررسی وجه ششم)

مصادف با: ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۳۵

جلسه: ۹۵

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

آخرین وجه از وجوه تصویر جامع وجهی است که از طرف امام (ره) بیان شده، ایشان ضمن اینکه می‌فرماید تصویر جامع علی القول بالصحیح و علی القول بالاعم از اموری است که فایده‌ای بر آن مترتب نمی‌شود اما در عین حال تصویری را برای جامع ارائه نموده که بنا بر هر دو قول قابل ارائه است، گفتیم ایشان نخست مقدمه‌ای مشتمل بر چهار مطلب ذکر کرده:

مطلب اول: صحت و فساد از عوارض وجود هستند نه ماهیت، یعنی هنگامی که ماهیت به مرحله تحقق و تقرر عینی و خارجی برسد آن گاه متصف به وصف صحت و فساد می‌شود و الا در مرحله تقرر ماهوی نه صحیح است و نه فاسد.

مطلب دوم: تقابل بین صحت و فساد، تقابل تضاد است و خود این شاهد بر این است که صحت و فساد به معنای تمامیت و نقص نیست؛ چون تقابل تمامیت و نقص، تقابل ملکه و عدم ملکه است.

مطلب سوم: ما نمی‌توانیم صحت و فساد را که تقابل بین آنها به نحو تضاد است از امور اضافیه بشماریم، یعنی یک چیزی بالاضافه به یک شیئی صحیح و بالاضافه به شیء دیگر فاسد باشد، در امور اضافیه این امکان وجود دارد که یک چیزی نسبت به امری احد المتضایفین و نسبت به امر دیگر متضایف دیگری باشد اما در متضادین این گونه نیست، یعنی امکان ندارد که یک شیء سیاه نسبت به یک شیء سیاه و نسبت به شیء دیگری سفید باشد چون بین سیاهی و سفیدی تضاد است و معنی ندارد که متضادین از امور اضافیه دانسته شود.

مطلب چهارم: به طور کلی اجزاء در محل نزاع داخل هستند اما فقط یک قسم از شرائط در محل نزاع داخل اند و آن شرائطی است که امکان اخذ آنها از طرف شارع در متعلق امر وجود داشته و شارع هم آنها را اخذ کرده باشد ولی دو قسم دیگر از شرائط (شرائطی که امکان اخذ آنها از طرف شارع در متعلق امر وجود داشته ولی شارع آنها را اخذ نکرده و شرائطی که امکان اخذ آنها از طرف شارع وجود نداشته و شارع هم آنها را اخذ نکرده است) از محل نزاع خارج اند.

ادامه کلام امام (ره):

امام (ره) بعد از ذکر این مقدمه به اصل مدعای خود در تصویر جامع می‌پردازند، ایشان می‌فرماید: الفاظی که برای مرکبات وضع می‌شوند به چهار صورت قابل تصویر است و این مسئله هم در مرکبات حقیقیه و هم در مرکبات اعتباریه وجود دارد.

الف) گاهی لفظی برای مرکب قرار داده می‌شود که در این مرکب هم ماده و هم هیئت خاصی مورد نظر است و کوچک‌ترین تغییری در ماده یا هیئت به مجازیت منجر خواهد شد، یعنی لفظ برای هیئت و ماده معین وضع شده که اگر یک جزء از مواد یا یک کیفیت از صورت تغییر کند در این صورت اطلاق لفظ بر این مرکب تغییر یافته اطلاق مجازی خواهد بود.

ب) گاهی هیئت معین ملاحظه می‌شود اما ماده مخصوصی مورد نظر نیست، یعنی لفظ برای چیزی وضع می‌شود که دارای هیئت خاصی باشد و شکل خاصی مورد نظر است اما ماده معینی مورد نظر نیست.

ج) گاهی ماده معین مورد نظر است اما صورت معین مورد نظر نیست.

د) گاهی هم نه ماده و نه هیئت معینی مورد نظر نیست بلکه فقط آن غرض و فایده‌ای که بر آن شیء مترتب می‌شود مورد توجه قرار می‌گیرد، مثلاً لفظ «اتومبیل» برای مرکبی وضع شده که ماده و هیئت آن معین نیست بلکه دائماً در حال تغییر و تحول است و این لفظ برای یک حقیقتی وضع شده که غرض آن نقل و انتقال را کبین است و این اثر بر آن بار می‌شود چه آن اتومبیل مربوط به ۵۰ سال قبل باشد و چه مدرن‌ترین اتومبیل روز باشد در هر صورت هیئت و ماده معین مورد نظر نیست بلکه فقط اثر و فایده‌ای که بر آن مترتب می‌شود مورد نظر است. در اکثر مصنوعات بشری و مرکبات حقیقیه مطلب از همین قرار است، مثلاً لفظ «دار» برای چیزی وضع شده که نه هیئت معینی دارد و نه ماده معینی بلکه آنچه مهم است حفظ غرض و اثری است که بر آن مترتب می‌شود که همان سکونت در آن است لذا این لفظ هم بر خانه‌هایی که انسان‌های اولیه برای سکونت می‌ساختند اطلاق می‌شود و هم بر خانه‌های مدرن امروزی. در مرکبات اعتباریه هم مطلب از همین قرار است.

امام (ره) می‌فرماید: به طور کلی مرکبات اعتباری اگر مشتمل بر هیئت و ماده خاصی هم باشند اما ممکن است که این هیئت و ماده در مقام وضع به نحو لاشرط باشند نه اینکه اینها را به نحو لاشرط لحاظ کنند. فرق است بین لحاظ به نحو لاشرط یا عدم اللحاظ، گاهی ما لحاظ لاشرطی را مورد نظر قرار می‌دهیم یعنی قید عدم هیئت یا ماده معینه را در معنی قرار می‌دهیم مثلاً می‌گوییم لفظ «صلاة» برای عملی وضع شده که این اثر را دارد مقیداً به قید عدم تعیین ماده و عدم تعیین الهیئة، در این صورت عدم هیئت و ماده خاص جزئی از موضوع له قرار داده شده، یعنی قید عدم تعیین ماده و الهیئة جزء موضوع له می‌باشد اما گاهی به نحو دیگری تصویر می‌شود مثلاً گفته می‌شود لفظ «صلاة» برای عملی وضع شده که فلان اثر را دارد و نسبت به ماده و هیئت خاص هیچ لحاظی نشده و هیچ کدام از آنها مورد لحاظ قرار نگرفته‌اند حتی قید عدم معین بودن ماده و هیئت.

پس فرق است بین اینکه معنی در مقام وضع به نحو لاشرط لحاظ شود یا اینکه معنی به قید لاشرط بودن تصور شود، یعنی لاشرطیت جزء موضوع له و معنی قرار گیرد. برای روشن شدن مسئله به این مثال توجه کنید: مثلاً گاهی لفظ «رقبة» مطلق است یعنی نسبت به قید ایمان و کفر لاشرط است و این لاشرط بودن جزء معنای «رقبة» نیست ولی گاهی گفته می‌شود

«رُقبه» و آن رُقبه مقید به عدم الکفر و الایمان است که عدم الکفر و الایمان جزئی از موضوع له قرار گرفته است و بین این دو خیلی فرق است.

آنچه در مرکبات اعتباریه مورد نظر است این است که هر مرکب اعتباری که بالاخره خالی از ماده و هیئت نیست - همان گونه که مرکبات حقیقیه هم نمی‌توانند خالی از ماده و هیئت باشند - اما مهم این است که در مقام وضع لفظ برای معنی هیچ لحاظی نسبت به ماده و هیئت معینه صورت نمی‌گیرد، یعنی آن مرکب حتماً متشکل از ماده و هیئت است لکن مهم نیست که آن ماده و هیئت چه چیزی باشند و لازم نیست که معین باشند، مثلاً آنچه در الفاظ عبادات مثل لفظ «صلاة» مهم است این است که هیئت عبادت داشته باشد و دارای اقوال و افعال باشد ولی لازم نیست که افعال و اقوال معینی در آن مورد لحاظ قرار گرفته باشد، پس مرکب اعتباری مثل لفظ «صلاة» در واقع برای چیزی وضع شده که نه هیئت معین دارد و نه ماده معین اما این فایده و اثر را دارد که مثلاً غرض مترتب بر این عبادت بر آن مترتب می‌شود که آن غرض می‌تواند ناهی از فحشاء و منکر بودن نماز یا معراجیت برای مؤمن و امثال آن باشد.

به هر حال طبق این بیان لفظ «صلاة» برای یک مرکب اعتباری شرعی وضع شده که نه ماده معینی مثل قرائت، رکوع، سجود و امثال آن در آن مدخلیت دارد و نه هیئت معینی مثل قیام، قعود و جلوس در آن مدخلیت دارد. پس اگر ما موضوع له لفظ «صلاة» را عبارت از یک مرکب اعتباری دانستیم که نه هیئت معین و نه ماده معین در آن مدخلیت ندارد در این صورت لفظ «صلاة» هم بر نمازی که شخص عالم مختار می‌خواند اطلاق می‌شود و هم بر نمازی که شخص مضطر می‌خواند.

پس لفظ «صلاة» برای یک مرکب اعتباری وضع شده که دارای هیئت و ماده معین نیست، یعنی نه اذکار و اقوال خاصی در آن مورد لحاظ واقع شده و نه فعل و هیئت معینی در آن دخالت دارد که در این صورت این لفظ هم بر صحیح و هم بر اعم از صحیح و فاسد منطبق خواهد بود یعنی از نظر عرف متشرعه عنوان صلاة بر کسی هم که بدون طهارت و بدون قصد قربت نماز بخواند صادق خواهد بود اما آنچه اینجا به عنوان تصویر جامع از طرف امام (ره) بیان می‌شود این است که به نظر صحیحی لفظ «صلاة» منطبق نمی‌شود مگر بر افراد صحیح از صلاة، حال سؤال این است که آن جامعی که مورد نظر صحیحی است که نه ماده معینی دارد و نه هیئت معینی چگونه و با چه لفظی مورد اشاره قرار می‌گیرد؟ امام (ره) می‌فرماید: ما لفظ واحدی را انتخاب می‌کنیم که فقط به افراد نماز صحیح اشاره دارد، چون ما یک جامع حقیقی که متشکل از جنس و فصل این مرکب اعتباری باشد نداریم لذا یک لفظ واحدی را انتخاب می‌کنیم که جامع عرضی بین همه افراد صحیح نماز باشد و آن عبارت است از: «العبادة الخاصة» که این عنوان بین همه افراد صحیح از نماز مشترک است، همان طور که در مورد «دار» گفته می‌شود «المسکن الخاص» که هم بر آپارتمان‌ها و ساختمان‌های مجلل امروزی صدق می‌کند و هم بر خانه‌های چوبی که توسط انسان‌های اولیه ساخته می‌شده یا اینکه در مورد اتومبیل و ماشین گفته می‌شود «المركوب الخاص»، یعنی چیزی که انسان بر آن سوار می‌شود و خصوصیت آن هم این است که نسبت به چارپا و امثال آن تندتر

حرکت می‌کند، در مورد «صلاة» هم می‌گوییم صلاة عبارت است از: «العبادة الخاصة» که این عنوان هم بر نماز شخص عالم مختار صدق می‌کند و هم بر، نماز عید، نماز جمعه و امثال آن.

پس جامعی که امام (ره) تصویر می‌کند این است که صلاة و امثال آن برای هیئت لابشرطی موجود در فرائض و نوافل وضع شده‌اند. یعنی صلاة برای یک هیئت لابشرطی وضع شده که در همه نمازهای صحیح اعم از نماز واجب و مستحب، شکسته و تمام، شخص سالم و مریض و امثال آن وجود دارد. و همین تصویر که در مورد نماز گفته شد در مورد سایر عبادات هم ارائه می‌شود و چون خصوصیت لابشرطیت از هیئت و ماده مورد نظر است یعنی نسبت به این جهت، لحاظ خاصی صورت نگرفته بلکه یک عبادت مخصوصه به نحو لابشرط از هیئت و ماده مورد لحاظ واقع شده لذا لفظ «صلاة» هم بر نماز چهار رکعتی صادق است و هم بر نماز دو رکعتی، بله ممکن است در مورد بعضی از مراتب صلاة مثل صلاة غرقی نتوان این سخن را گفت.

امام (ره) به یک فرقی هم بین مرکبات اعتباریه و مرکبات حقیقیه اشاره می‌کنند و آن این که در مرکبات اعتباریه یک نحوه تزیینی از حیث مواد وجود دارد یعنی این گونه نیست که هر ماده‌ای را بتوانیم در هیئت نماز وارد کنیم به خلاف مرکبات حقیقیه که چنین محدودیتی را ندارد، ممکن است فی الجمله در مرکبات اعتباریه‌ای مثل صلاة از تکبیرة الاحرام تا تسلیم کم و زیاد شود اما این اضافات نمی‌تواند زیاد باشد به خلاف مرکبات حقیقیه.^۱

بحث جلسه آینده: وجه ششم (نظر امام (ره)) را ان شاء الله در جلسه آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. مناهج الوصول، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۸؛ تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۷۵-۷۸.